فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی[1]
سال دوازدهم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۸- شماره پیاپی ۴۵

بررسی سبک شناسانهٔ تشبیه و صوربیانی مضاعف درچهارمثنوی از "خزائن الملکوت" عبدی بیگ شیرازی

(ص۲۸۵- ۳۰۸)

علی شهسواری[2]، امیربانوکریمی[3](نویسنده مسئول)، ابوالفضل مرادی رستا[4]

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۷
تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۷

چکیده

علی بن عبدالمؤمن ملقب به عبدی بیگ یکی از شاعران قرن دهم هجری است، دارای دو تخلص عبدی و نویدی است و آثار فراوانی دارد که هنوز سرنوشت بعضی از نسخ خطی او روشن نیست. در این مقاله به تحلیل سبک شناسانهٔ تشبیه و کاربرد «صوربیانی مضاعف» در چهار مثنوی او پرداخته ایم، یافته های ما نشان میدهد که او انواع تشبیه را با بسامد بالا، زینت بخش شعرش قرارداده است و نکتهٔ دیگر اینکه عبدی بیگ از گونه های مختلف «صوربیانی مضاعف» مانند: تشبیه در تشبیه، کنایه و مجاز در تشبیه، تشبیه در اضافهٔ سمبلیک، تشبیه در استعاره، تشبیه در ایهام، تلمیح در تشبیه، تلمیح تشبیهی - دینی، تلمیح تشبیهی اسطوره ای، تلمیح تشبیهی علمی و ... هنرمندانه استفاده کرده است. در این پژوهش، با محوریت تشبیه، بر اهمیّت و زیبایی انواع «صوربیانی مضاعف» آشنا میشویم.

کلمات‌کلیدی: عبدی بیگ، خزائن الملکوت، خزانه، صور بیانی مضاعف، تشبیه تلمیحی.

---

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی (shahsavari93@yahoo.com)
۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تهران جنوب(Banoo.karimi@aol.com)
۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

۱- مقدمه

«خواجه زین‌العابدین‌علی‌بن‌عبدالمؤمن شیرازی از شاعران و مستوفیان سدۀدهم هجری-است تقی‌الدین‌کاشی اسمش را درخلاصه‌الاشعار به همانگونه که نوشته‌ام آورده و او خود درآغاز(بوستان خیال)گفته‌است که دربدایت حال درقصیده‌ها و غزلها نویدی‌تخلص‌مینمود و سپس تخلص عبدی اختیار کرد شاید به همین خاطر باشد که سام میرزا (م۹۶۹) که تحفۀسامی را در سال ۹۵۷ باتمام رسانده نام این شاعر را ذیل عنوان «عبدی بیگ» آورده و در همان حال گفته که تخلصش نویدیست و چنانکه از گفتارش آشکارست این شاعر در اوان تألیف تحفۀسامی دوران شباب را میگذرانده و "جوانی‌محبوب هنرمند" بوده‌است.پس او در دوران جوانی آغازشاعری‌کرده‌بود زود تغییرتخلص‌داد و با این‌حال هنوز با تخلص نخستین شهرت داشت. مولدش را سام‌میرزا و امین‌رازی و تقی‌الدین‌کاشی و آذر، شیراز و او را از بزرگزادگان آن‌شهر دانسته‌اند امّا مولوی‌محمد مظفرحسین‌صبا در "روز روشن" نوشته‌است‌که اواصفهانی‌بود و بوجه‌کثرت اقامتش‌در شیراز بعضی‌او را شیرازی دانسته‌اند و گاه هم او را به نیشابور نسبت داده یعنی با مولانا عبدی‌نیشابوری ازخوشنویسان‌مشهور پایان عهدتیموری وآغاز دورۀصفوی اشتباه‌کرده‌اند.» (تاریخ‌ادبیات‌درایران، ج۲/۵، ص۷۴۶)

عبدی‌بیگ سه خمسه به تقلید از نظامی سروده‌است وی همچنین به تبع جامی منظومۀ «خزائن‌الملکوت» را درسال۹۶۸هـ ، به نظم کشیده‌است که شامل هفت‌مثنوی است و هریک از این مثنویها را یک«خزانه»نامیده‌است.

۲- پیشینۀتحقیق

خیلی ازآثار عبدی‌بیگ‌را خاورشناس برجستۀ شوروی‌سابق آقای‌ابوالفضل‌هاشم اوغلی رحیموف، درمسکو تصحیح و چاپ‌کرده‌است و ازجملۀآنها میتوان به این‌آثار اشاره‌کرد: تکمله‌الاخبار، دوحه‌الازهار، مظهرالاسرار، جوهرفرد، آیین اسکندری، لیلی و مجنون، هفت اختر، جنه الاثمار، زینه الاوراق، صحیفه‌الاخلاص، روضه‌الصفات، جنات‌عدن. و بعضی هم در دست اقدام بوده‌است. درایران نیزکتاب«تکمله‌الاخبار»که‌به نثر و در موضوع تاریخ است-توسط‌عبدالحسین‌نوایی‌تصحیح‌گردیده‌است. وکتاب«صریح الملک» که درشرح‌املاک و بناهای بقعۀ شیخ صفی‌الدین اردبیلی است، توسط محمود محمد هدایتی، تصحیح شده-است. منظومۀ سلامان و ابسال‌عبدی‌بیگ را نیز فاطمه مدرسی و وحید رضایی‌حمزه‌کندی تصحیح نموده‌اند. همچنین خمسۀ دوم یا مثنوی(جنات‌عدن) وی به تصحیح احسان‌اشراقی و مهرزاد پرهیزگاری، چاپ شده‌است.

۳- ضرورت‌تحقیق

عبدی‌بیگ ازشاعران پرکار و مورخ زبان فارسی‌است‌که تا کنون‌گمنام مانده‌است،وی دارای آثار فراوانی‌است که متاسفانه بعضی‌ازآثارش ازجمله(بوستان خیال، دیباجه البیان، طربنامه، وگل‌ریحان)هنوز شناسایی نشده‌اند، مجموعه‌های نظم ونثر این شاعر برای‌کسانی- که بخواهند در آغاز حکومت‌صفویه پژوهش‌کنند بسیارمفید خواهد بود. ازجملهٔآثار عبدی- بیگ که هنوز به صورت نسخهٔخطی‌است و جایی‌چاپ نشده است منظومهٔمذهبی«**خزائن- الملکوت**» وی‌است‌که شامل هفت‌مثنوی میباشد وشاعر هریک از این‌مثنویها را«**خزانه**» یا بخش نامیده‌است، دراین مقاله خزانه‌های چهارم تا ششم او را به نامهای«**بحر مسجور، منشور شاهی، مروّج الاسواق، مهیّج‌الاشواق**» مختصراً معرفی‌کرده‌ایم و توانایی‌عبدی- بیگ را در صوربیانی مضاعف و تزاحم‌تصویرها درتشبیه نشان داده‌ایم، تا دوستاران شعر و ادب بیشتر با هنر و ابتکاراتِ تصاویرخیالی، درشعر او آشناگردند.

۴- آثارعبدی‌بیگ شیرازی

۱) نسخهٔخطی«**کلیات نویدی**» شامل سه‌خمسه و یک هفت خزانه به شرح زیراست: **خمسهٔ اول**: مظهرالاسرار، جام‌جمشیدی، مجنون و لیلی، هفت‌اختر، آیین‌اسکندری؛ **خمسهٔ‌دوم**: جوهرفرد، دفتردرد، خزائن‌الملوک، انوارتجلی، فردوس‌العارفین؛ **خمسهٔ‌سوم**: روضه‌الصفات، دوحه‌الازهار، جنه‌الاثمار، زینت‌الاوراق، صحیفه‌الاخلاص. **هفت خزانه** موسوم به **خزاین‌الملکوت** بدین‌شرح: خزانهٔ اول **صحیفهٔ‌لاریب**، خزانهٔدوم **لوح‌مسطور**، خزانهٔ سوم **بحرمسجور**، خزانهٔ چهارم **منشور شاهی**، خزانهٔ پنجم **مروّج‌الاسواق**، خزانهٔ ششم **مهیّج الاشواق**، خزانهٔ هفتم **نهایه الاعجاز**. (تاریخ‌ادبیات‌درایران، ج ۲/۵، ص۷۴۹).

۲) تکمله‌الاخبار؛ ۳) صریح‌الملک؛ ۴) سلامان و ابسال؛ ۵) بوستان خیال؛ ۶) دیباچه- البیان؛ ۷) طربنامه؛ ۸) گل ریحان (مناظره ریاحین و ورد)؛ ۹) نسخهٔخطی‌عبدبیگ مشهوربه امام‌جمعه؛ ۱۰) نسخهٔخطی دیوان عبدی‌بیگ دانشگاه تبریز؛ ۱۱) دیوان نویدی چاپ سنگی؛ ۱۲) نسخهٔخطی دیوان نویدی‌شیرازی‌کتابخانهٔ ملی.

۴-۱- معرفی‌خزانه‌ها

خزانهٔ سوم مشهور به بحرمسجور، محتوی برمناقب حضرات ائمهٔ معصومین صلوات‌الله- علیهم‌اجمعین، دارای۱۶۴۸بیت است. خزانهٔ چهارم معروف به منشورشاهی، درحسنِ‌سیرت شاه دین‌پرور و ترغیب بدین‌سیرت‌حمیده: این خزانه دارای۱۱۵۱بیت است. خزانهٔ پنجم

مسمّی به مروّج‌الاسواق، درخیرخواهی‌خواص‌و عوام، این خزانه دارای ۱۳۳۴بیت است. خزانهٔ ششم مکنّی به مهیّج‌الاشواق درحقیقت عشق و محبت، دارای۹۹۵بیت است.

۵- سبک شعری‌عبدی‌بیگ

مجموعهٔ اشعار او را ۵۴۹۴۷ بیت دانسته‌اند، وی بیشتر این اشعار را به درخواست شاه تهماسب و یا برای او سروده است.او از لحاظ زمان ومکان جزو شاعران اوایل سبک هندی-است ولی شعر او را نمیتوان به طورکامل درظرف ویژگیهای‌سبک‌هندی‌جای‌داد،همانطورکه ذبیح‌الله صفا میگوید:«درعهدصفوی‌تعدد و تنوع سبکها از مطالبی‌است که نباید از نظر دور بماند،این عهد نه دوره‌ای‌کوتاهست و نه محیط شاعری آن منحصر به یک یا دو موضع محدود.دوره‌ای است که دو قرن و نیم زمان گرفت و دراین زمان‌طولانی از روم تا دکن شاعرانی‌ظهورکردند و سخنوری نمودندچگونه ممکن‌است شاعرانی راکه در اوایل این‌دوره میزیستند مثلاً محتشم و وحشی را،با صائب و نورس یکسان دانست و دربارهٔ همه به یک حکم اکتفا نمود؟».(تاریخ ادبیات در ایران، ج،۱/۵، ص۵۲۲).شعر عبدی‌بیگ تلفیقی از سبک بینابین و سبک‌هندی است و با شاعران‌میانهٔ این سبک و بخصوص شاعران پایانی سبک‌هندی متفاوت‌است.«گوته در ضمایم دیوان‌شرقی‌خود، آثارشعری را چنین طبقه بندی‌میکند: شعر بیش از سه نوع نیست؛ آنکه با وضوح و روشنی داستانی را بیان میکند. آنکه ازشور وهیجان منبع میگیرد و آنکه کاری فردی و شخصی را تجسم میدهد؛ و اینها عبارتندازحماسه، شعرغنایی و درام. این سه گونه ممکن‌است در یک شعرجمع آیند یا پراکنده باشند؛ غالباً این هرسه قسم را دراشعارکوتاه به هم‌آمیخته میتوان‌یافت».(نواع‌ادبی، ص۲۷).این نظر«گوته»در بارهٔشعر«عبدی‌بیگ» صدق‌میکند زیرادرقرن‌ششم ترکیبی از ویژگیهای سبک‌خراسانی و سبک‌عراقی دیده‌میشودکه آنرا سبک‌بینابین میدانیم و سنایی(۵۴۵-۴۷۳) و نظامی(۶۱۴-۵۳۵) هردو دراین‌برهه از تاریخ ادبیات ما میزیسته-اند،عبدی‌بیگ درموضوعات دینی و عرفانی از رهروان‌حدیقهٔ‌سنایی محسوب میشود و درداستان‌سرایی، ازپرکارترین‌پیروان‌مکتب نظامی‌دراین دوره‌است، وعلاوه بر ویژگیهای‌این دوسبکِ‌ادبی، باریک بینیهای‌معتدل‌اوایل سبک‌هندی را هم‌دارد، درادامه شاهدمثالهایی-ازشعرعبدی‌بیگ را ذکرمیکنیم؛ درسبک‌خراسانی روحیهٔ‌حماسی در شعرحاکم است ،عبدی‌بیگ داستان عاشقانه‌ای داردکه درآن‌معشوق تسلیم خواسته‌های‌عاشق نمیشود و از او میگریزد وقتی‌عاشق او را دنبال میکند رودررویی آنها را به‌گونه‌ای می‌آغازد که‌گویی-صحنه‌ای‌از نبردهای‌دو پهلوان‌درشاهنامه است:

از دو سو تیغ تیز عریان شد چرخ بر حال هر دو گریان شد
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۸۴)

همچنین‌شاعردرداستان‌فوق به‌منظومهٔ‌خسرووشیرین‌نظامی نظرداشته‌است وبیت‌زیر نمونهٔ شعرغنایی‌است وخطاب عاشق به‌معشوق مانند مناظرهٔ فرهاد با خسرو است که حاضراست سررا زیرپای شیرین بیفکند و از زبان‌عاشق به معشوق‌میگوید:

اگر او می کشد ز من سر خویش افکنم سر خویش در پیش
(همان،ص۴۸۴)

۶- تشبیه و«تزاحم‌صورخیال»درشعرعبدی‌بیگ

میدانیم که یک‌شعر زیبا حاصل تخیلاتی میتواند باشد که درخارج مصداق واقعی‌ندارد و این‌توانایی شاعرهنرمنداست که آنها را به‌کمک ایماژ و جزءآن ایجاد میکند، عبدی‌بیگ درخیلی ازتصویر سازیهای‌خود بخوبی‌ازعهدهٔ این‌کار برآمده‌استو با لغاتی‌ساده وغیرمغلق، صحنه‌ها را آرایش‌میدهد، او صحنه‌های‌خیالی را با واقعیات جزیی بخوبی‌درهم می‌آمیزد و قدرت«تزاحم‌صورخیال»را درعبارات کوتاه دارد، وی برای‌یک‌صحنه، تشبیه را اساس‌کارخود قرارداده و با استفاده‌از، پنج‌تشبیه و پنج‌اغراق و سه‌طباق و سه‌مراعات‌النظیر ویک‌جناس ویک‌پارادوکس، توانسته‌است ماهرانه، گرمای کشندهٔ خارق‌العاده را به‌مخاطبش نشان‌دهد. عبدی‌بیگ‌درصفحهٔ۴۲۷خزانهٔ‌پنجم(منشورشاهی)درتوصیف این‌گرمای طاقت‌فرسا میگوید:

چشمه همچو تنور در تف و تاب ماهیش هیمه بود و آتش آب
ریگ از مهر چون چراغ شده ماهیِ رود سنگ داغ شده

دراینجا«چشمه به تنور،ماهی به هیمه،آب به آتش،ریگ به چراغ،ماهی به سنگ»تشبیه شده‌است«در پنج تشبیه‌مزبور،پنج اغراق نیز موجوداست»و میان«چشمه و تنور،آب و آتش،ماهی و سنگ‌داغ»هم طباق‌آمده‌است و همچنین«چشمه ،آب، ماهی/آتش، هیمه،تنور،تف و تاب/ رود،ریگ،سنگ»مراعات‌النظیرهستندوآب و تاب هم‌جناسند.و آتش-شدن آب نیز پارادوکس‌است. ابیات فوق نمونه‌ای‌ازتبحّرشاعردر تصویرسازی‌است که به-کمک واژه‌های ساده و همه‌کس‌فهم، پدیدآورده‌است.

۶-۱- تشبیه‌دینی؛ وجه غالب صورخیال‌درچهارمثنوی‌عبدی‌بیگ

«متاسفانه ادبیات‌گذشتهٔ ایران تعریفی که براساس زیباشناسی باشد برای تصویر نداده-است و حتی‌خود تصویر را نادیده گرفته‌است، باید در هر کتابی‌که پیرامون شعر، نوشته -میشود فصلی پیرامون تصویر گنجانده شود. تصویر، کلمه‌ای است کلی و جامع و شامل هر

نوع تشبیه، هر نوع استعاره، هر نوع سمبل، و هر نوع اسطوره میشود.».(طلادرمس، ص،۷۶) صورخیال به اندازۀ حسهای انسان متنوع‌است،به هر اندازه که‌احساس‌وعاطفۀ انسانی‌از فضای‌حاکم برمحیط زندگیش‌اثربپذیرد حاصل‌آن تأثرات به همان‌اندازه درگفتار ورفتارش بالفعل درمی‌آید،حیات‌عبدی‌بیگ‌در دورانِ‌تعصّبات شدید مذهبی و آغازحکومت‌صفوی‌است و تأثّرات این‌فضا در بن‌مایۀ تشبیهات شعریش روشن‌است،به‌طوری‌که-موتیف(motif)شعرش را ازاعتقادات‌دینی و پابرجایی‌شاعردر باورهای‌مذهبیش میتوان-مشاهده‌کرد،استاد براهنی‌معتقداست‌که‌جهان‌بینی یک‌شاعر با توجّه به محیط زندگیش قابل‌توجیه‌است؛ «مثلاً اگر (پل‌والری)نمیتواندرشعرش‌ازدریا دورشود و اگرمثلاً(سن‌ژون-پرس)جهان‌را دردریا میبیند، به‌دلیل‌آنست‌که‌دریا قسمتی‌از زندگی‌آنهارا تشکیل‌داده‌است‌و آنها به‌سابقه و سائقۀذهنیات‌خود ازدریا،مجبورندازآن‌سخن‌بگویند،سطربه‌سطر(موبی-دیک)تجربی‌است و (هرمان‌ملویل) با استفاده از تجربیات خود، حتی سری به صحرای کربلای مذهب نیزمیزند.» (همان،ص۸۹) بنابراین جای شگفتی نیست وقتی که عبدی بیگ در شعری که با آرزوهایش پیوند دارد، در توسل به مرحمت و استشفاع علی(ع) بگوید:

دم مهرت زده ز روزالست نیست خالی ز مهر تو تا هست
همچنین در کشد چو جام هلاک هم به مهر تو می رود در خاک
تن چو فانوس در درون کفن شمع فانوس او دل روشن
(کلیات عبدی‌بیگ،ص۳۷۸)

او در بیت سوم، با آوردن سه تشبیه و یک پارادوکس، تن خود و مُحب علی(ع) را چون فانوسی میداند و دلش را که از محبت ممدوحش روشن گردیده‌است به شمع فانوسِ تن، مانندکرده‌است. «برای‌اینکه اثری هیجان‌انگیز، جهان‌شمول و دلپسند گردد، هنرمند باید ابزاری بجوید و بیابد که آنرا به این صفات بیاراید. ابزار تصویرسازی هنری[که] در کارگاه خیال ساخته میشود. با اغراق، استعاره، تشبیه، سایه‌روشنهای نغمه و رنگ همراه است». (نقدادبی، ص۱۸۳). محوریترین مقولۀ تصویر خیال در شعر عبدی بیگ، تشبیه میباشد. پس از بررسی در چهار خزانۀ عبدی‌بیگ این نتیجه حاصل گردیدکه او به طور متعادل از همۀ قلمهای آرایشیِ سخن، اعم از: تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح، مجاز، انواع جناس و ... در اشعارش استفاده میکند ولی کاربرد تشبیه در سخن‌آرایی او چشمگیرتر است، و تشبیهات متعدد عبدی بیگ همراه با تلمیحات گزینشی، دال بر این نکته است که

بیشترین محتوای تشبیه او، در این چهار مثنوی، حولِ مقدسات عقیدتی و کهن الگوهای دین باورانه است. درپیامد این مطالب چندین بیت از تشبیهات مختلف عبدی‌بیگ در دفاع از خلافت علی(ع) ذکر میشود و سپس با نموداری، بسامد تشبیه را در چهار منظومهٔ وی نشان داده‌ایم و تقریباً محتوای تشبیه و بکارگیری آن در بقیهٔ آثارش نیز در این حداست.

- تشبیه‌مرسل

بگشا هر دو لب به صاف دلی　　با زبانی چو ذوالفقار علی

(کلیات عیدی‌بیگ: ص۳۷۳)

- تشبیه‌مضمر

او برآمد به دوش پیغمبر　　تاج را جا بود بلی برسر

(همان،ص۳۶۷)

- تشبیه بلیغ‌اسنادی

ریگ در دشت شد چو دُر نجف　　بلکه دُر گشت ریگ و دشت صدف

(همان،ص۳۷۵)

- تشبیه‌تلمیحی

مرتضی بت شکست همچو خلیل　　زد ز تسلیم دم چو اسماعیل

(همان،ص۳۷۶)

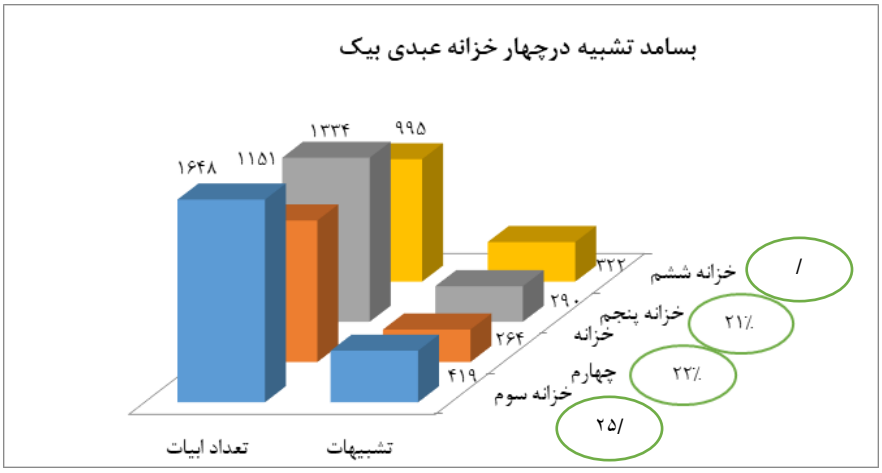

بسامدانواع‌تشبیه درخزانه‌های‌عبدی‌بیگ

درتعریف‌تشبیه‌گفته‌اند:«مانندکردن‌چیزی‌است‌به‌چیزی،مشروط‌براینکه‌آن‌مانندگی‌مبتنی‌برکذب‌باشدنه‌حقیقی». (بیان‌ومعانی، ص۵۹) دراین‌همانندی،اصلِ‌دروغ‌نمایی‌اهمیت‌خاص دارد و به‌اعتبارکلام«أَحسنُ‌الشِّعرِ‌اکذَبُهُ»هرچقدرمبالغه بیشتر ومطبوعترباشدشعر،زیباتر است و این‌اصراردراغراق وبزرگنمایی‌سبب‌شده‌که‌گستردگی وگونه‌گونی‌تشبیه،پیوسته‌در تزاید باشد وهنرمندان‌متاخردرافزونی‌انواع تشبیه ازمتقدمین‌خودپیشی‌بگیرند،مثلاً«اولین‌کسی‌که تشبیه را بادقّت وبحث‌کامل و همه‌جانبه موردنظر قراداده‌است و بسیاری از تشبیهات‌قرآنی‌را ازنظر زیبایی و جمالی هنری بررسی کرده‌است، از نظر گاه او تشبیه را چهار گونه دانسته‌اند». (صورخیال‌درشعرفارسی، ص۵۵) درحالیکه اکنون انواع تشبیه از جنبه‌های‌مختلف به بیش ازچهل‌گونه رسیده‌است. بنابراین درادامه به بررسی تعداد محدودی ازانواع تشبیهات‌پرکاربرد عبدی‌بیگ میپردازیم و سرانجام تشبیهات‌پربسامد وی را در دوخزانهٔ (بحرمسجور ومهیّج الاشواق) به زیرنمودارخواهیم برد تا نمونه‌ای‌دیگرازتوجّه و هنرشاعررا به انواع تشبیه درشعرش نمایان‌سازیم.

۶-۲- تشبیه‌بلیغ

«تشبیه بواسطهٔ ذکر و ترک ارکان آن‌متفاوت است،بهترین تشبیه این‌است‌که وجه‌شبه و ادات تشبیه حذف‌شوند و این‌صورت‌را تشبیه بلیغ‌گویند،درجهٔدوم آنست‌که‌یکی ازآنها را حذف‌کنند واگرهردو را ذکرکنند قوّت مبالغه ندارد».(دررالادب، ص۱۵۶)وتشبیه بلیغ دونوع‌است؛بلیغ‌اضافی و بلیغ‌اسنادی و این‌دو از پرکاربردترین‌تشبیهات عبدی‌بیگ‌است،درتشبیه بلیغ‌اضافی یکی‌از پایه‌های تشبیه به دیگری اضافه میشود که آنرا اضافهٔ‌تشبیهی‌نیزمیگوییم مانند:

رخش طبعم چو از **خزانهٔ عشق** رفت بیرون ز **تازیانهٔ عشق**

(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۸۸)

دربیت‌فوق سه‌تشبیه بلیغ‌اضافی وجود دارد،شاعردو واژهٔ‌متناسب(رخش و تازیانه)را مشبهٌ‌به قراردادهاست تا ازاین‌تناسب،تصویر طبیعیتری‌از تشبیهش به‌خواننده منتقل‌کند و همچنین با مردّف ساختن عشق و مشبه قراردادن(طبع وخزانه و عشق)رنگ هنرمندانه‌ای به‌کارش‌داده‌است. درتشبیه‌اسنادی، مشبهٌ‌به، به مشبه اسناد داده میشود مانند:

به طریق مبالغه با وی گفت که ای **مهرت آتش و من نی**

(همان،ص۴۲۲)

آوردن دوتشبیه اسنادی و بدون‌فاصله دریک مصراع، نشان ازتبحرشاعردراین‌آرایهٔ ادبی‌است.

- **تشبیه‌مضمر**

یعنی تشبیه پنهان، بدین معنی که ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است و بهر حال جمله قابل تأویل به جملهٔ تشبیهی است (بیان‌ومعانی، ص۱۲۲) عبدی بیگ عقیده دارد که اگر همسر مردی پاکدامن و عفیف باشد، گویی خانه-اش بهشت است و او با حوری، زندگی میکند:

خانه گر خانگیش مستور است کدخدا را بهشت با حور است
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۳۵)

- **تشبیه تلمیحی**

تشبیهی است که درک وجه شبه آن در گرو آشنایی با اسطوره و داستانی باشد (بیان-ومعانی، ص۲۱۹). معمولاً این نوع تشبیه را میتوان به، اساطیری، تاریخی، دینی، عاشقانه، فرهنگی، علمی و غیره تقسیم کرد، مانند:

رو چو یوسف به سوی زال آورد چون زلیخا ز نو جوانش کرد
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۳۸۱)

- **تشبیه‌مرسل**

در آن ادات تشبیه ذکر میشود (معانی‌وبیان، ص۵۷). در بیت زیر دو تشبیه مرسل آمده - است:

بود در خدمت جوانِ **چو** سرو جلوه گر **چون** به گرد سرو تذرو
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۸۳)

- **تشبیه‌مجمل**

وآن‌چنین‌است‌که وجه‌شبه درکلام ذکر نشود (دررالادب، ص۴۸) در این نوع تشبیه چون وجه شبه وجود ندارد ذهن خواننده را بیشتر به تکاپو می‌اندازد تا رابطهٔ‌تشبیه‌را دریابدمانند:

سخنی که از صواب دور بود همچو چشمی بود که کور بود
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۶۰)

وجه‌شبه در این بیت، "نتیجه و نفس‌عملی" است‌که در هر دو مصراع آن بدست می‌آید.

- **تشبیه‌مطلق**

یا صریح آن است که چیزی را به چیزی تشبیه کنند بدون هیچ قید و شرط (فنون‌بلاغت، ص۲۳۵) مانند:

فتـــنه انـگـــیز همـــچو بـاد مـــباش همـــچو آتـــش شـــرر بـه خـلق مپاش
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۴۸)

- **تشبیه‌مؤکد**

حذف ادات که اندک‌اندک‌تشبیه‌رابه استعاره نزدیک میکند،عاملی‌است برای پرتأثیرکردن و نیروبخشیدن به تشبیه زیرا غرض‌از تشبیه عینیت بخشیدن به دوچیزمختلف‌است یا بهتربگوییم عینیت‌بخشیدن‌است به دوچیزی‌که غیریت دارند و چون ادات‌حذف‌شود عینیت به صورت محسوستر و دقیقتری نمایانده شود(صورخیال‌درشعر، ص۶۶). عبدی‌بیگ در صفحهٔ ۴۳۶ خزانهٔ «مروّج‌الاسواق»زن زیباروی پاکدامنی را اینگونه توصیف‌میکند:

روز در گـــیســـو ار نـهـــفـتی روی از شـــب تـــیـــره روز بـــردی گـــوی

در بیت فوق دوتشبیه مؤکد وجود دارد؛ **الف**)سفیدی و زیبایی چهرهٔزن رابه‌روز مانندکرده‌است.**ب**)گیسوی پرپشت او را چون‌شب تیره‌دانسته‌است.

- **تشبیه‌حروفی**

دراین‌نوع ازتشبیه شاعربخشی ازشکل‌ظاهری یکی ازحروف الفبا را تجریدکرده آن را مشبهٌ‌به قرارمیدهد. وجه‌شبه‌دراین‌گروه از تشبیهات‌حروفی‌همان بخش‌تجرید شده ازشکل‌حرف موردنظراست(نوعی‌تشبیه، ص۳۸۹). آفرینش‌ادبی به کمک اشکال‌ظاهری حروف‌در ادب‌فارسی به سه شکل صورت پذیرفته است...گروه سوم ازاین تقسیم‌بندی شامل‌تشبیهاتی‌است «که شکل یک حرف در معنی دستوری یکی از طرفین تشبیه واقع شود».(همان۳۹۹). عبدی‌بیگ در صفحهٔ ۳۶۷ خزانهٔ «بحر مسجور» از نسخهٔ خطی «کلیات‌نویدی» سه حرف اسم«**علی**»را اینگونه درتشبیه می‌آورد؛با توجه به گِردی‌حرف«**ع**»آنرا به‌آفتابِ بلندمرتبه و به چشمهٔ آب‌حیات مانندکرده و چون‌حرف«**ل**» به حساب ابجد برابر باعدد ۳۰میباشد آنرا مانند یک‌ماه کامل ۳۰ روزه دانسته‌است و برای عظمت اسم علی(ع)،واژه‌های «اشیا و یا» را قافیه‌کرده وحرف«**یا**»را به پایان همهٔ امورِ پدیده‌ها، تشبیه‌کرده است و«وجه شبه» در آنها،موقعیت مکانی‌است‌که«یا» در دوکلمهٔ(علی و اشیا)دارد،و سرانجام این‌جهان و آخرت را به دونقطهٔ آن(**یا**) تشبیه‌کرده‌است:

عـــین او آفـتاب عـز و عـــلی چـشمهٔ فـیض بـخش آب بـقا
لام او سـی اسـت همچو ماه تـمام بـل ز مـاه تـمام بـه،بـه نـــظام
یـای او خـاتـــم هـمـه اشـیـا هر دو کونـش دو نـقـطه انـدر یـا

نمودار زیرحاصل مجموع‌ابیات و تشبیهات،درخزانهٔسوم وششم(بحرمسجور ومهیّج-الاشواق)است که ازنسخهٔخطی«کلیات نویدی»سنجش‌شده‌اند،عبدی‌بیگ از۱۶۴۸بیت-خزانهٔسوم،۴۱۹ تشبیه بکارگرفته‌است و در ۹۹۵بیت موجودی‌خزانهٔششم نیز۳۲۲ تشبیه-آورده‌است‌که به‌ترتیب شامل $\frac{۱}{۴}$ و $\frac{۱}{۳}$ کل‌ابیات آن دوخزانه میباشد ونشان دهندهٔاین‌است که‌این‌شاعر درآوردن آرایه‌ها و بخصوص‌انواع تشبیه،توانایی و التفات‌خاص‌دارد.

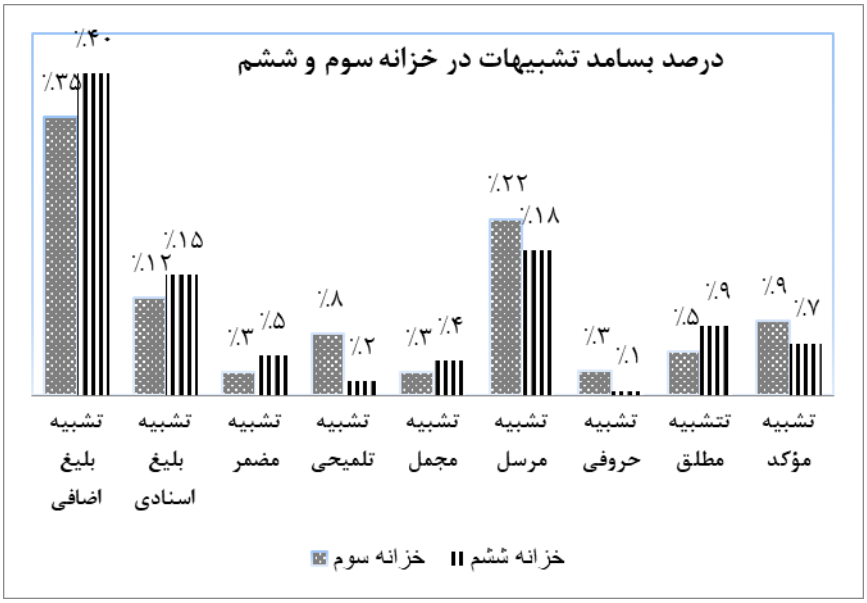

۷-«صوربیانی‌مضاعف»درچهارمثنوی‌عبدی‌بیگ

۷-۱- تعریف«صوربیانی‌مضاعف»و«تزاحم‌تصویر»وتفاوت‌آنها

با این‌که فشردگی ایماژها و تودرتویی تخیلات‌ادبی، ریشه درتاریخ ادب‌فارسی‌دارد و همیشه‌کم و بیش همراه شعر فارسی بوده است ولی بحث در «صور بیانی مضاعف» و «تزاحم‌تصویرها» موضوع تازه‌ای است که میان صاحب‌نظران و منتقدان شعر و ادبیات مورد توجّه قرار گرفته‌است وبدین‌جهت‌است‌که‌هنوز صاحب‌نظران،به‌طورقطع،درجایگاه وکاربرد و کم‌وکیف آنها به تعریف‌جامع و مانعی‌نرسیده‌اند و حتی‌درنام نهادن عنوان مناسبی برآنها، اختلاف‌نظردارند. و در این نامگذاری با عناوینی چون: صوربیانی مضاعف، تزاحم تصویرها، آرایهٔمضاعف، تضاعف‌تصاویر، تعدّدتصاویر، تزاحم هنری تصویرها، ابداع بدون تزاحم‌در تصویر، کثرت در وحدت ایماژ و ... برخورد میکنیم، با این‌حال با توجّه به رویکرد این

دومقوله،بی نیاز ازتعریف آنها نیستیم؛استادشفیعی‌کدکنی‌علاقهٔ شاعران به لزوم تزیین تصویرها را در کنار هم سبب ایجاد «تزاحم تصویر» میداند و در بررسی هماهنگی تصویرها میگوید: «جنبهٔ تزیینی تصویرها، سبب شده است که کوشش شاعران هر چه بیشتر به جمع‌آوری و در کنار هم چیدن تصویرها منجر شود و آزمندی برتزیین شعر از این رهگذر، مسألهٔ تزاحم صور خیال را بوجود آورده است. (صورخیال‌درشعر، ص۱۹۹). آقای صرفی در تعریف «صوربیانی مضاعف» مینویسد: «صوربیانی مضاعف، گونه‌ای از صور خیال است که در آن، یک صورت بیانی با یک صورت بیانی دیگر و یا بایک آرایهٔ بدیعی ترکیب شده و تشکیل یک صورت بیانی مضاعف را میدهد. به عبارت دیگر، اگر «تزاحم تصویرها» نه در یک بیت، بلکه دریک واژه یا ترکیب صورت گیرد، یک صورت بیانی مضاعف به وجود می-آورد». (صوربیانی، ص۱۱۰) آقای صرفی بین «صوربیانی‌مضاعف» و «تزاحم‌تصویرها» تفاوت قائل است و میگوید:«تزاحم‌تصویرها» درکمتر از یک‌بیت یا مصراع قابل بررسی نیست، ولی تضاعف صورتهای بیانی،بیشتر در یک‌ترکیبِ دوکلمه‌ای به وقوع میپیوندد.از این قرار،شاعراز یک واژه یا ترکیب، نهایت استفاده را میکند و چند ایماژ و آرایهٔ بدیعی را در آن میگنجاند.(همان،ص۱۱۱). در ادامه برای‌هرکدام از«تزاحم‌تصویر» و «صوربیانی-مضاعف»در مثنویهای عبدی‌بیگ، یک نمونه ذکرمیکنیم تا به بیان و روشنیِ مسئله کمک-کند،مثلاً در بیت‌زیر،شاعر مقولهٔ«تزاحم‌تصویر» را در هردو مصراع به‌زیبایی آورده است:

شاه را زین لطیفه بسط گشود　　غنچه را همچو گل به خنده گشود
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۴۴)

واژهٔ«لطیفه» دراین بیت مجاز از داستانواره ای است که شاعردر ضمن اشعارش بدان اشاره کرده‌است و خواننده‌اش با آن آشناست و «بسط‌گشودن» کنایه از خوشحال‌شدن پادشاه است و«غنچه» استعاره از دهان اوست و«دهان شاه» را نیز با استفاده از یک تشبیه مضمر به گل تشبیه کرده است و در خندیدن غنچه هم استعارهٔ مکنیه یا تشخیص (personification) آورده است. در نتیجه شاعر با بسط دادن این چند تصویر بیانی در یک بیت، به خلق «تزاحم تصویر» رسیده است.

عشق، مصر وجود را طور است　　آفتاب شهود را نور است
(همان،ص۴۶۵)

«کسی منکرنقش اساسی‌کلمات‌درشعرنیست و وسیلهٔشعر و شاعری نیزکلمه است ولی هرکلمه،مفهومی‌دارد و یا مفاهیمی و اینکه قصدشاعری ازشعرگفتن،حتی در این‌حالت نیز

ترکیبی‌است».(طلادرمس، ص۹۵).در بیت بالا، فرادای دو کلمهٔ «مصر» و «وجود» معنایی عاری از هر نوع تخیل به ذهن متبادر میکنند و نقش معنایی آنها همان است که در نثر مستفاد میشود و برهیچگونه تصویر هنری دلالت ندارند، امّا وقتی به صورت ترکیبیِ«مصروجود» بکار روند بارمعنایی دیگری دارند و بخصوص همراه با کلماتِ پس و پیش‌خود،نشانهٔ یک ترکیب بیانی‌مضاعف، هستندکه حضورآنها سبب التذاذ هر عبارتی-میشود دربیت فوق ترکیب«مصر وجود»یک تشبیه بلیغ اضافی است و همچنین این ترکیب، تلمیح به سرنوشت موسی(ع)در طور سیناست، بعلاوه تمام واژگان موجود در بیت با ترکیبِ«مصر وجود» تناسب دارند و موجب غنای تصویری‌دراین ترکیب(تشبیهی-تلمیحی)گردیده‌اند،وچون همهٔ اتفاقات تصویری حول محورتشبیه بلیغ اضافی«مصروجود»است، حاصل این تخیلات ادبی در یک ترکیب تشبیهی به خلق یک «صوربیانی‌مضاعف» انجامیده است.

۷-۲- توانایی عبدی‌بیگ در صوربیانی‌مضاعف و تزاحم‌تصویرها

چون‌که عبدی‌بیگ مسؤول چهل‌سالهٔ شغل سیاق در دربار شاه تهماسب بوده‌است، بدیهی‌است که دغدغه‌های خاص شغل‌خود و دربار را داشته‌باشد، با این‌حال آثار فراوانی-داردکه از نظر مضمونهای تازه و ترکیبات ابداعی و ماهرانه و معانی عمیق خالی نیستند. او در اعتقادات دینی شخصیتی استوار دارد و بخصوص در منظومهٔ«خزائن‌الملکوتِ» خود که جنبهٔ مذهبی دارد جانبداریهای اعتقادیش را به روشنی بیان میکند و توانایی خود را در آوردن«صوربیانی مضاعف» و «تزاحم تصویرها» با موضوعات دینی به خوبی نشان میدهد مثلاً در بیت زیر از مثنوی«بحر مسجور» در اسطوره های اسلامی و ایرانی تداخل ایجاد میکند و در وصف امام علی (ع) هنرنماییش را این گونه نشان میدهد:

آن سلیمان سریر خاتم بخش شاه رستم غلام دلدل رخش
(کلیات عبدی‌بیگ: ص۳۶۷)

در مصراع اول بیت فوق، ترکیب«سلیمان سریر» یک صور بیانی مضاعفی است که سه تلمیح دینی و اسطوره ای و یک استعاره ویک کنایه درآن موجود است؛ یکی تلمیحِ دینی که تداعی پیامبری و پادشاهی سلیمان(ع) را همراه دارد وهمچنین این ترکیب«سلیمان سریر» هم استعاره ازعلی(ع) و هم کنایه ازحکومت و فرمانروایی است و دو تلمیح دیگر آن از نوع تلمیح اسطوره‌ایِ دینی و حماسی میباشد که یکی تلمیح به اسطورهٔ دینی، علی(ع)، وبخشش انگشتری در نماز به سائل است و دیگری به اسطورهٔحماسی رستم است.

شاعردرمصراع دوم، باز ازتلمیح، تزاحم بیشتری از بدیع و بیان ایجادکرده است؛ چونکه ترکیب«شاهِ رستم غلام» استعاره از علی(ع)است و رخش هم در اینجا مجاز از اسب است و یک تشبیه مضمر هم بین دلدل و رخش وجود دارد و سلیمان و سریر و خاتم و شاه نیز مراعات النظیرند و علی و خاتم و دلدل دارای تناسب هستند و رستم و رخش نیزتناسب دارند .

۷-۳- اهمیّت تشبیه و«صور بیانی‌مضاعف»

لازمه و اساس زیبایی یک اثر ادبی به آفرینشهای تصویری آن اثر بستگی دارد و این تصویرها در علم بیان مورد توجّه و حلاجی اهل نظر بوده و هست.در قدیم فقط چهار مقولهٔ مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه را پایه‌های علم بیان و خلق تصویرهای ادبی میدانستند ولی بخاطر جایگاه و اهمیتی که صور بیانی در یک اثر دارد به مرور صنایع لفظی و معنوی دیگری به علم بیان اضافه گردید.آقای شمیسا علاوه بر چهار مقولهٔ قدیم علم بیان،جایگاه تصویرهای دیگری را چون: اسطوره، سمبل، آرکی تایپ و...در این حوزه میدانند. (بیان، ص۱۷) همچنین آقای شفیعی کدکنی موضوعاتی را که قبلاً در علم بدیع، بررسی میشده-اند به موضوع علم بیان اضافه کرده‌اند، «آنچه حوزهٔ عمومی خیال شاعرانه را تشکیل میدهد، همان مباحث اصلی و گسترده‌ای است که در زمینهٔ چهار بحث مجاز و استعاره و تشبیه و کنایه و دگرگونیها و شاخه های هرکدام وجود دارد اما در میان مباحث علم بدیع، چند بحث را می توان برآن افزود و دایرهٔ اصطلاح «صورتهای خیال» و تا حدی ایماژ را بدینگونه گسترش بیشتری داد.(صورخیال، ص: ۱۲۴) و سپس از اغراق و ایهام و حسن تخلص و اسطراد و التفات و تجاهل العارف نام میبرد. بنا بر این آنچه که مهم است خلق تصاویر هنری است و دسته بندی موضوعات علم بیان و بدیع درمرحلهٔ بعدی است.در نتیجه از ترکیب بعضی از آرایه های علم بیان با هم و یا گاهی از ترکیب مقوله های بیانی با مقوله های بدیع، «صور بیانی مضاعفی» حاصل میشود که بیانگر قدرت تعمق شاعر در قوهٔ تخیل اوست و این صور بیانی مضاعف اقسامی دارد که هنوز به طور دقیق به احصاء درنیامده است.در میان چهار عنصر اصلی علم بیان - مجاز،استعاره،تشبیه،کنایه- آرایهٔ تشبیه و استعاره جایگاه مهمتری دارند و بنای هر دو هم بر همانندی است و چون تشبیه منبت استعاره میباشدپس برآن ارجح است.«علم بیان،شیوهٔ ادای موضوع ومعنی به اسلوب های مختلف است،و تشبیه بی گمان در رأس این اسالیب قرار میگیرد و شاید تشبیه روشن ترین و آشکارترین این مباحث باشد و از همه،در تمام ادوار،بیشتر استعمال و کاربرد داشته

باشد؛و بیجا نیست اگر نویسندگانی مانند مبرد و ابوهلال عسکری در بارهٔ اهمیت آن سخنهای اغراق آمیزگفته اند،از قبیل اینکه: (هیچ ادیبی از آن بی نیاز نیست)یا اینکه: بیشتر کلام عرب تشبیه است».(همان،ص۴۵)

همان طور که در نمودارهای بالا اشاره شد«تشبیه»در مثنوی های عبدی بیگ بسامد بالایی دارد بدین جهت در چهارمثنوی وی به نام های(بحرمسجور، منشورشاهی، مروج الاسواق، مهیج الاشواق) بی‌آنکه به تداخل مقوله های علم بیان و علم بدیع توجّه شود، به بررسی و تحلیل «صوربیانی مضاعفی» پرداخته‌ایم که با ترکیب در«تشبیه» ایجاد شده‌اند:

۷-۳-۱- تشبیه درتشبیه

در این صور بیانی مضاعف، مشبهٌ‌به، درتشبیه نخست، برای تشبیه دیگری «مشبه» واقع میشود و گاهی هم مشبه و مشبهٌ‌به با هم در یک تشبیه برای تشبیه دیگری «مشبه» واقع میشوند و عکس این مورد دوم، هم اتفاق می‌افتد یعنی مشبه و مشبهٌ‌به در یک تشبیه با هم «مشبهٌ‌به» تشبیه دیگری میشوند، مانند:

گـل بـاغ وفـاســت هـر داغــم بوی عشق می آید از گل باغـم
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۷۹)

در مصراع اول دو تشبیه آمده‌است «گل باغ ، باغ وفا» که درتشبیه اول «گل» مشبهٌ‌به برای «داغ» است و سپس برای «باغ وفا»به عنوان مشبه واقع شده‌است و البته در اینجا شاعر برای پوشش بهتر،بدیع را هم به خدمت گرفته و آرایهٔ ردّالعجز علی الصدر استفاده کرده‌است.

اهـل کشتـی بسـوخـتند تمــام به جز آن سرو قـد سیـم انـدام
(همان،ص۴۳۸)

در مصراع دوم بیت بالا،دو تشبیه بلیغ اضافی مقلوب آمده‌است که هر دو تأویل به تشبیه بلیغ اسنادی میشوند؛یعنی«سرو قدی که سیم اندام است» و «سیم اندامی که سرو قد است» بنا بر این یکبار مشبه و مشبهٌ‌به در«سرو قد» برای «سیم اندام» مشبه شده است و یکبار هم مشبه و مشبهٌ‌به را در«سیم اندام» برای«سروقد» به عنوان مشبه بکار برده‌است و در حقیت بین آن دو تشبیه بلیغ اضافی یک «تشبیه عکس» اتفاق افتاده‌است.

۷-۳-۲- تشبیه دراستعاره

گاهی شاعری همزمان،یک«ترکیب تشبیهی» را با کاربرد« استعاره» درخدمت شعرش میگیردکه باعث ایجاد صور بیانی مضاعف«تشبیه در استعاره» میشود، و به این نوع از صور بیانی مضاعف «استعارهٔ بعد از تشبیه» هم می‌توان گفت. مانند:

بعد از آن دست خویش باز کشید　　بحر علم آن طعام خوردن دید
(همان، ص۴۲۳)

عبدی‌بیگ درحکایتی منظوم میگوید: پادشاهی به همسرش خیلی علاقه‌مند بود، روزی بانو قصد رفتن به حمام داشت و ازقضا میل شاه بر وی جنبید، بر او شرط‌کرد تا من این مرغ و نان را میخورم، باید برگردی و چنانچه دیرکردی مطلقه ای. بانو اندکی بعد از طعامِ شاه رسید، شاه بانو را از خود براند،امّا طاقت دوری وی را نداشت، از علمای مذاهبِ دین چاره خواست، همه شرط را درست و همسرش را مطلقه و برشاه حرام دانستند بجز یکی که گفت: شاه همان مرغ و نان را برگیرد و به همان شیوهٔ اول بخورد تا من قضاوت‌کنم و چون شاه به صورت اول طعام را خورد و باز ایستاد آن عالم شیعی گفت: زن بر تو حلال است، چونکه تو مرغ و نان را کامل نخورده‌ای و استخوان مرغ و خردهٔ نان هنوز برسفره بوده که بانو برگشته‌است و او همسرشرعی توست. در بیت فوقِ این حکایت،ترکیب«بحرعلم» یک تشبیه بلیغ اضافی است که برای آن عالم شیعی به عنوان استعاره واقع شده‌است.

پردهٔ شب گر گشادی از رخسار　　غیرت روز می شدی شب تار
(همان، ص۴۳۶)

در این بیت «پردهٔشب» یک تشبیه بلیغ اضافی است و همچنین استعارهٔ مصرحه از نقاب چهره میباشد.

۷-۳-۳- کنایه و مجاز درتشبیه

این صور بیانی مضاعف این چنین است که در یک ترکیب کنایی، آرایهٔ تشبیه و مجاز نیز آمده‌باشد. در بیت زیر«دریا کف» یک تشبیه بلیغ اضافی است که مشبه آن«کف» مجاز از دست میباشد و کل تشبیه هم،کنایه از سخاوتمندی است.

این چو دریافت شاه دریا کف　　گفت با آن وزیر آصف صف
(همان،ص۴۱۷)

۷-۳-۴- کنایه درتشبیه

هرگاه در یک ترکیب تشبیهی، معنی کنایه‌ای نیز آمده باشد«صور بیانی مضاعف» کنایه در تشبیه حاصل میشود، مانند بیت زیر که دو ترکیب تشبیهی«کیمخت پشت» و «میشن روی» آمده و چون کیمخت و میشن هر دو نوعی از پوست ضخیم و نازک و بد و کم ارزش میباشند این دو ترکیب تشبیهی، کنایه از زشتی و بی ارزشی نیز هستند.

همه کیمخت پشت و میشن روی بر زنخشان چو ریش بز دو سه موی
(همان،ص۴۰۷)

عبدی‌بیگ،در بیت زیر که در توصیف امام حسن عسکری(ع)سروده است،ترکیب«شهد معنی» را آورده که هم یک تشبیه بلیغ اضافی است و هم کنایه از معنویت میباشد.

شهد معنی نهاده بر خوانش بال روح القدس مگس رانش
(همان،ص۴۰۲)

۷-۳-۵- مجاز درتشبیه

اگردر یک ترکیب تشبیهی،یکی از پایه‌های تشبیه، به صورت مجاز به کار رفته باشد این«صور بیانی مضاعف» حاصل میشود؛ همان طورکه در بیت زیر«زبان قلم» یک تشبیه بلیغ اضافی است و وجه‌شبه در آن گفتار میباشد با این تفاوت که سخن‌گفتن، در قلم به صورت‌کتبی است و لی گفتار در زبان، به طور شفاهی انجام میگیرد.و«زبان» در این ترکیبِ تشبیهی «مجاز»از نوک قلم است.

آن که چون مدحش آورم به رقم جان فرو ریزم از زبان قلم
(همان،ص۳۷۶)

در بیت زیر«شعلهٔتیغ»یک ترکیب تشبیهی میباشد که مشبهٌبه (شعله)در آن مجاز از نور است.و حاصل آن یک«صوربیانی مضاعف» میباشد:

ور نه جانت به معرض تلف است شعلهٔ تیغم آفت علف است
(همان،ص۴۸۴)

۷-۳-۶- ایهام درتشبیه

وقتی که در یک ترکیب تشبیهی،ایهامی هم نهفته باشد،صوربیانی مضاعف«ایهام در تشبیه»ایجاد میشود.عبدی بیگ درضمن حکایتی که در آن عاشقی با دیدن دلبرخود،قالب تهی میکند، در وصف معشوق اینگونه میگوید:

کرده موی میان آن دلبند دو جهان را به تار مویی بند
(همان،ص۴۷۵)

شاعردر زیبایی معشوق بزرگ نمایی کرده و کمر باریک او را چون مویی دانسته‌است و از ترکیب«موی میان» یک تشبیه بلیغ اضافی ساخته‌است که دارای ایهام نیزمیباشد زیرا مراد شاعر از «موی میان»می تواند هم «کمر» معشوق باشد و هم گیسوی او.

ملک ویران ز تو شود معمور وز تو یابد چراغ مردم نور
(همان،ص۴۵۶)

در بیت فوق ترکیب«چراغ مردم» یک صور بیانی مضاعف«ایهام در تشبیه» است،چونکه چشم، کانون نور بوده و مردمک چشم محل تنظیم نور است و در اینجا «مردم» به معنی مردمک، با چراغ ،یک تشبیه بلیغ اضافی است و همچنین «مردم» به معنی خلق و اشخاص نیز آمده در نتیجه بر یک ترکیب ایهامی دلالت دارد.

۷-۳-۷- تشبیه دراضافهٔ سمبلیک

اضافهٔ سمبلیک وقتی است که مشبه(مضاف) سمبل(یا نشانه) مشبهٌبه(مضافٌ الیه) باشد، مثل عقاب‌جور، که عقاب خود سمبل جور است یا کلاه سروری که کلاه در قدیم نشانهٔ سروری بوده‌است.

عقاب جور گشوده است بال در همه شهر کمان گوشه نشینی و تیر آهی نیست
(بیان، ص۱۱۳)

اساس سمبل بر تشبیه است، عبدی‌بیگ در بیت زیر، باغ را که سمبل زیبایی است برای حُسن، مشبه قرار داده‌است و از ترکیب«باغ حسن» یک اضافهٔ سمبلیک ساخته و یک صوربیانی مضاعف، همراه با تشبیه بکار برده‌است.

باغ حسنش ز چهره و کاکل آفت لاله فتنه ی سنبل
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۷۷)

در ترکیب«دار فنا» کلمهٔ دار، وسیله‌ای است که مجرم را با آن حلق آویز میکنند و دربیت زیر مضاف(مشبه) است و همچنین سمبل نابودی میباشد وکلمهٔ فنا، مضافٌ الیه(مشبهٌبه) آن است و شاعر یک«صور بیانی مضاعفِ تشبیه با سمبل» آورده‌است:

که ترا بعد از این ز دار فنا خیمه باید زدن به ملک بقا
(همان،ص۳۶۹)

۷-۳-۸- تلمیح درتشبیه

دراین صور بیانی‌مضاعف، یک تشبیه در یک«ترکیب اضافیِ تلمیحی» موجود است و همان طور که در«تشبیه تلمیحی» اشاره شد دارای انواع مختلفی است که معمولاً از درون

تاریخ و گذشته بیرون می‌آید و چون عبدی‌بیگ، علاوه بر شاعری در تاریخ نویسی هم دست داشته‌است بنا براین، بیشترین استفاده را از این آرایه درشعر خود کرده‌است و«تلمیح در تشبیه» پربسامدترین«صور بیانی مضاعف» در این مثنوی‌های اوست. درنمودار زیر نسبت صوربیانی‌مضاعف«تلمیح در تشبیه» را با سایر صور بیانی مضاعف مقایسه کرده-ایم.

با یک نگاه کلی به بیشترین کاربرد انواع«تلمیح در تشبیه» در شعر عبدی‌بیگ به شرح زیر میرسیم:

الف) تلمیح تشبیهی‌دینی: این نوع تلمیح به استناد آیات و احادیث و قصص‌الانبیاء حاصل میشود، عبدی‌بیگ در معرفی امام حسن(ع)میگوید:

پدرش باب و جد مدینهٔ علم خود دراصل گهر خزینهٔ علم

(همان،ص ۳۸۰)

«مدینه علم» در مصراع اول، صور بیانی‌مضاعفی است که تلمیح و تشبیه را با هم دارد و اشاره به این حدیث نبوی درصفحهٔ۱۳۷کتاب (المستدرک‌علی‌الصحیحین) حاکم نیشابوری است که پیامبر اکرم (ص)فرمود: أنَا مَدینَهُ العِلمَ وَ عَلِیٌ بابُها فَمَن ارادَ العِلمَ فَلیأتِ البابَ= من شهر دانشم و علی، دروازهٔ آن است، آنکه آهنگ ورود به شهر دارد باید از این دروازه به آن درآید.

یوسف مصر عزّت و تمکین موسی مدین شریعت و دین

(کلیات عبدی‌بیگ:ص۳۸۵)

در در ترکیب«یوسف مصر عزّت و تمکین»صوربیانی مضاعفی از تشبیه و تلمیح در هم آمیخته‌است، چون به ارادهٔ خداوند و با رفتن حضرت یوسف(ع) به آن‌سرزمین، هم عزّت یافت و هم بر آنجا مسلط گردید و از این جهت«عزّت و تمکین» به مصر تشبیه شده‌اند. و در مصراع دوم نیز شهرمدین، شهر شعیب پیامبر بوده و چاهی داشته‌است که موسی (ع) گوسفندان شعیب را در آن آب می‌داد، به موسی(ع) تشبیه شده‌است.

ب) تلمیح تشبیهی‌تاریخی: عبدی‌بیگ چندین کتاب در موضوع تاریخ به نظم و نثر نگاشته‌است و آگاهی او از تاریخ سبب غنی‌تر شدن تلمیحات تاریخی وی گردیده‌است، در بیت زیر ترکیب«قیصر سلیمان خیل» نمونه‌ای از آرایهٔ مضاعفی است که در این تلمیح تشبیهیِ تاریخی به کار برده‌است، او در تثبیت حکومت و قدرت شاه تهماسب صفوی میگوید: اگر قیصر روم با آن عظمتش، لشکریانی چون حضرت سلیمان - که جن و انس زیر سلطه‌اش بود- داشته باشد در برابر شاه صفوی، توانایی مقابله ندارد و از جنگ با وی خودداری میورزد.

هم چنین قیصر سلیمان خیل چیده از راه کینه جویی ذیل
(همان،ص۴۵۱)

ج) تلمیح تشبیهی‌اسطوره‌ای : «هرچند هرملتی اساطیرخاص‌خود داردکه احتمالاً در افسانه و فولکلور و ایدئولوژی‌اش منعکس شده‌است، اسطوره به معنای کلی آن جهانی‌است. افزون بر این، مایه‌ها یا درونمایه‌های مشابهی را می‌توان در میان اساطیر متعدد و متفاوتی پیدا کرد، که این مایه‌ها و درونمایه‌ها و تصاویر معمولاً معنایی مشترک دارند. این مایه‌ها و تصاویر را کهن‌الگو مینامند، به عبارت ساده، کهن الگوها نمادهای جهانی‌اند. مثلاً : افعی(مار،کرم) نماد انرژی و نیروی ناب، شر، فساد ، و... ». (مبانی‌نقدادبی، ص۱۶۱) همیشه داستانهای اساطیری و کهن‌الگوها مورد توجّه شاعران فارسی زبان و مردم بوده و هستند و آثارعبدی‌بیگ در این موارد هم کم‌رنگ نیست. اساس صور بیانی‌مضاعف تشبیه، در تلمیحِ اسطوره ای،کهن الگوها و قهرمانان ملی هستند که نمونهٔ آنرا در بیت زیر مشاهده میکنیم:

دست جمشید بین فتاده ز کار حلق ضحاک بین به حلقهٔ مار
(کلیات عبدی‌بیگ:ص۴۵۵)

ترکیب تشبیهی«حلقهٔ مار» تداعیگر خون ریزی‌های آژی‌دهاک سفاک است که در این بیت، گلوگیر خودش شده‌است.

د) تلمیح تشبیهی‌علمی: این صور بیانی‌مضاعف، برگرفته از معادلات علمی است و نشان دهنده آگاهی و دانش شاعر درعلوم ریاضی، طب، نجوم، روان شناسی و... است، عبدی‌بیگ مفتخر است که بیشتر اشعار مثنوی‌های خزائن‌الملکوتش در مدح و منقبت ائمهٔ اطهار است، وی در علو رتبت تربت امام حسین(ع) میگوید:

خاک کویش عبیر حلّهٔ حور　　خاک راهش به بزم انس بخور
تربتش کحل چشم اهل شهود　　وه چه گفتم که کیمیای وجود
(همان،ص۳۸۳)

در تعریف«بخور»گویند؛ دارویی باشد که بسوزند تا بوی آن یا دود آن به خداوندعلت رسد، (ذخیرهٔخوارزمشاهی، نقل‌ازدهخدا). ودر بارهٔ«کیمیا» آمده‌است؛ علمی که آن را صنعت نیزگویند و درآن بحث کنند از امتزاج روح و نفس که بدان اجساد ناقصه را به رتبهٔ کمال رساند، (آنندراج،نقل‌ازدهخدا). شاعر دربیت نخست ارادت خویش را به امام حسین(ع)، با ترکیب تلمیحی علمی«اُنس بخور» نشان داده‌است و خاک راهش را، درمان درد شیفتگان راه امام دانسته‌است. و در بیت دوم شاعر با آوردن تشبیه تفضیلی و تشبیه تلمیحی علمی، برای صور بیانی مضاعفِ«کیمیای وجود» از همانندی تربت امام به«انس بخور» و «کحل چشم» نظر دارد. و خواص این خاک درگاه را برتر از درمان بیماریهای جسم به حساب می‌آورد و در حقیقت آنرا اکسیری میداند که این جسم خاکی را به عالم عِلوی میرساند.

۸- نتیجه

با اینکه‌خیلی‌از آثار عبدی‌بیگ‌شیرازی در خارج و ایران تصحیح و چاپ شده‌اند امّا با توجّه به‌کارهایش، حقّ او تا کنون به شایستگی ادا نگردیده‌است و برای جبران دین او در این مقاله، این نتایج مورد توجّه قرارگرفته‌است: **۱**- با توجّه به دورهٔ حیات شاعر درآغاز حکومت صفویه و اطلاعات مفیدی که از آثارشاعر دراوضاع تاریخی، اجتماعی، سیاسی، دینی و... وجود دارد، ضروری‌است که نسخ‌خطی وی تصحیح و چاپ‌گردد. **۲**- از نتایج برآمده در نمودارهای ارائه شده در این مقاله، روشن‌گردیده‌است‌که عبدی‌بیگ به تشبیه بیشترتوجّه داشته و درآوردن گونه‌های مختلف آن زبردست است. **۳**- بحثی‌که در سخن-پردازی شاعران فارسی زبان، کمتر مورد توجّه منتفدان ما قرارگرفته‌است، موضوع«صوربیانی‌مضاعف» و«تزاحم‌تصویرها» است، دراین مقاله ضمن‌تعریف و اهمّیت این‌موضوع، مشخص‌گردیده که عبدی‌بیگ در بکارگیری این صنعت زیبای‌بیانی، بخصوص

درموضوعات دینی و در چهارخزانهٔ «بحرمسجور، منشورشاهی، مروّج‌الاسواق و مهیّج الاشواق» علاقه‌مند و تواناست. **۴**- چون عبدی‌بیگ، شاعری مذهبی و معتقد است که در موضوع تاریخ هم آثاری ازخود برجای‌گذاشته‌است، درنتیجه، ارجاعات‌تلمیحی دراشعارش فراوان دیده میشود و انواع تشبیهات‌تلمیحی درآثار او بسامد بالایی دارد. **۵**- شعرعبدی-بیگ، نمونهٔ خوبی ازسبک شاعران بینابین و آغاز سبک‌هندی است و اشعار بارز و فراوانی از این سبک‌ها در منظومه‌هایش‌دیده میشود.

منابع و مآخذ

۱- انواع ادبی، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران ، چاپ دهم ، ۱۳۸۳.

۲- بیان و معانی، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۳- تاریخ ادبیات در ایران ، جلد چهارم، صفا، ذبیح الله، انتشارات فردوس، تهران، چاپ چهارم،۱۳۶۶.

۴- ــــــــــــــــ ، جلد پنجم/۱، صفا، ذبیح الله، انتشارات فردوس، تهران، چاپ سوم،۱۳۶۶.

۵- ــــــــــــــــ جلد پنجم /۲، صفا، ذبیح الله ، انتشارات فردوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۶- تکمله الاخبار، عبدی بیگ شیرازی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات، نوایی، ابوالحسین،تهران، نشرنی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۷- دررالادب در فن معانی، بیان، بدیع، ناشر، عبدالحسین. انتشارات نامشخص، سال نشر ندارد.

۸- «صوربیانی مضاعف درشعر فارسی» صرفی، محمدرضا، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی،سال اول، شمارهٔ،۱ بهار۱۳۸۸.

۹ - صورخیال در شعر فارسی، شفیعی‌کدکنی، محمد رضا، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۶.

۱۰- طلا در مس، براهنی، رضا، انتشارات کتاب زمان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۷.

۱۱- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلالالدین، نشرتوس، تهران، چاپ سوم،۱۳۶۴.

۱۲- کلیات نویدی، نسخه‌خطی، عبدی بیگ شیرازی، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، شماره، ۲۴۲۵

۱۳- مبانی نقد ادبی، ویلفرد، گِرین، لی مورگان، ارل لِیبِر، جان ویلینگهم، مترجم، فرزانهٔ طاهری، انتشارات نیلوفر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.

۱۴- مجنون و لیلی،عبدی بیگ شیرازی، تصحیح، ابوالفضل هاشم اوغلی، رحیموف، ادارهٔ انتشارات دانش، مسکو،۱۹۶۷.

۱۵- معانی و بیان، تجلیل، جلیل، مرکزنشر دانشگاهی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵.

۱۶- نقد ادبی، جلد اول، زرین کوب، عبدالحسین، انتشارات‌امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱.

۱۷- ـــــــــ ، جلد دوم، زرین کوب، عبدالحسین، انتشارات‌امیرکبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱.
۱۸- نقدادبی و نوعیت متن، دست‌غیب، عبدالعلی، انتشارات‌نویدشیراز، شیراز، چاپ اول،۱۳۹۰.
۱۹- نوعی‌تشبیه‌درادب فارسی(تشبیه‌حروفی)،حاجیان،علیرضا،مجلهٔ‌دانشکدهٔ‌ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران،شمارهٔ‌پیاپی۹۸۲،دورهٔ۱۶۰،زمستان۱۳۸۰.

Stylistic Analysis of Simile and Succinct Figures of Speech in Four Masnavis of Khazaenolmalekoot; Written by Abdi Beyg Shirazi

Amir Banu Karimi[1], Abolfazl Moradi[2], Ali Shahsavari[3]

Abstract

Ali Abdol mome's son known as Abdi Beyg is one of the tenth century AH poet. He has tow "Abdi and Navidi"pseudonyms he also has many poems which still destiny of some those manuscripts is not clear.

In this article we analysis about the way of recognizing simile and the usage of "succinct figures of speech" in his four Masnavi. Our discovery shows that he adorned different types of similes with high frequency and another point is that he artistically used different kinds of (succinct figures of Speech) like simile to simile, Irony and metonymy in simile, simile in excess symbolic, simile in metaphor, simile in amphiboly, allusion, scientific metaphorical allusion and so on. In this research we will get acquainted to the importance and the beauty of kinds of (succinct figures of Speech) with simile concentration.

Key words: Abdi beyg, Khazaenolmalekoot, Khazane, succinct figures of Speech, Allusions simile.

[1]- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran (Banoo.karimi@aol.com)

[2]- Department of Persian Language and Literature, University of Farhangian, Qom, Iran

[3]- PhD student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Tehran, Iran(shahsavari93@yahoo.com)